

# فرهنگ آموزش در زاین

## (( درس پژوهی ))

گفت‌وگو با دکتر ابوالفضل بختیاری، عضو هیئت علمی  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

علی اکبر رضوانی دهقانی

### اشاره

دکتر ابوالفضل بختیاری کارش را با معلمی آغاز کرده و ضمن ادامه‌ی حرفه‌ی معلمی تحصیلات عالی خود را هم ادامه داده است. او همواره به کار تحقیق (پژوهش) هم پرداخته و برای مشاهده‌ی شیوه‌های آموزش و یادگیری و مطالعه فرهنگ آموزش در دیگر کشورها فاصله‌ی طولانی تهران تا توکیو را هم پیموده است. آنچه می‌خوانید حاصل گفت‌وگویی کوتاه با این معلم پژوهنده و پژوهشگر است.

○ شما کارتان را با معلمی شروع کرده‌اید و در سال‌های اخیر هم مطالعات مستمری در ایران و ژاپن درباره‌ی درس پژوهی داشته‌اید، تعریف شما از درس پژوهی چیست؟

به نام خداوند فرهنگ و رای؛ ضمن احترام به همه‌ی مربیان، معلمان و صاحب‌نظرانی که در حوزه‌ی درس پژوهی نظرات ارزنده‌ای دارند، من واژه‌ی «تدریس پژوهی» را بیشتر می‌پسندم و اگر در این گفت‌وگو از تدریس پژوهی یاد می‌کنم منظور همان «درس پژوهی» است. اجازه بدهید تعریف جدید از درس پژوهی را به نقل از استاد آرنای با هم مرور کنیم. درس پژوهی الگویی برای بهسازی توانایی حرفه‌ای معلمان و روشی برای تولید دانش حرفه‌ای در مدرسه است و به آموزگاران فرصت می‌دهد تا روابط خود را با خود، یکدیگر و با دانش‌آموزان بهبود بخشند و به همکاری با پژوهشگران آموزشی برای حمایت نظام‌مند از تفکر انتقادی، بازبینی و بازاندیشی در اندیشه و عمل آموزشی تشویق شوند. این الگوی پژوهش در کلاس درس عملاً بر چرخه‌ی یادگیری گروهی، کیفی، مشارکتی و مداوم کارگزاران آموزشی شامل مراحل پنج‌گانه (تبیین مسئله، طراحی، عمل، بازاندیشی و یادگیری) استوار است.

می‌توان گفت در تدریس پژوهی، گروهی از معلمان که درس واحدی را آموزش می‌دهند با همکاری یکدیگر به طراحی درس خود می‌پردازند می‌کوشند بهترین شیوه‌ی آموزش و یادگیری آن درس را تهیه کنند.

○ از نگاه شما درس پژوهی تا چه حد می‌تواند تدریس و وضعیت آموزش و یادگیری را بهبود بخشد؟

تدریس پژوهی روشی کارآمد است که خوش‌بختانه نظر مربیان تربیتی،

صاحب‌نظران، کارشناسان و معلمان را در ایران هم به خود جلب کرده است. من چون خودم معلم هستم و هم در مدارس ایرانی و هم مدارس ژاپنی این موضوع را مشاهده و تجربه کرده‌ام، اعتقاد دارم که پرداختن به آن ضروری است و در واقع این رویکرد کمک می‌کند تا معلمان آموزش و یادگیری، تدریس مؤثرتر و موفق‌تری داشته باشند و درس خود را به‌طور مداوم با تحقیق (پژوهش) و روزآمدی همراه کنند. در واقع، تدریس پژوهی به بازاندیشی آموزش و یادگیری می‌پردازد. در این الگو، معلم مدام در حال تفکر (تأمل) در عمل تدریس است. در واقع معلم با خود می‌گوید: «چگونه می‌توانم آموزش و یادگیری خود و دانش‌آموزانم را بهتر کنم؟»

چه خوب است که هر چه در مسیر تدریس به پیش می‌رویم شوق و علاقه‌ی بیشتری ایجاد شود تا هم خودمان بیشتر در این مسیر کار کنیم و وجوه مختلف آن را بشناسیم و هم معلمان را تشویق کنیم که در آموزش خود از این شیوه استفاده کنند. این شیوه که ریشه در آموزه‌های سنتی و دیرین ژاپنی و قدمت صد ساله دارد (سرکار آرنای، ۱۳۸۸)، توانسته است به نظام آموزشی ژاپن و موفقیت آموزگاران آن کشور کمک زیادی کند تا با بهبود فرایند آموزش و با تدوین سناریوهای آموزشی سطح تعلیم و تربیت خود را ارتقا دهند و دانش‌آموزی و معلمی را برای خود و فرزندان‌شان دوست‌داشتنی‌تر کنند. شخصاً اعتقاد دارم که اگر ژاپن توانسته است، ما هم می‌توانیم! باید شیوه‌های علمی و عملی این روش را فرا بگیریم و معلمان ما همه به‌عنوان معماران آموزشی در امر تدریس دخالت و حضور جدید و مؤثرتری داشته باشند. تلاش‌هایی هم که در مجلات رشد و از جمله مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی و معاونت دوره‌ی ابتدایی وزارت آموزش و پرورش صورت می‌گیرد نشانگر آن است که ما خوش‌بختانه از این موضوع غافل نیستیم اما باید یادمان باشد که یادگیری این شیوه به آگاهی، تمرین و عمل (دانش، بینش، عمل، بازاندیشی مداوم) نیاز دارد تا تبدیل به شیوه‌ای همگانی و مداوم تفکر (تأمل) به تدریس در کلاس درس شود. معلم باید فکرهای سنتی خود را دور بریزد و اندیشه‌ی خود را نو کند! شیوه‌های تدریس ما نفس دانش‌آموز را می‌گیرند و خلاقیت را در نطفه خفه می‌کنند. معلم باید مداوم به بازاندیشی عمل تدریس خود بپردازد.

## ○ پیشینه‌ی این روش به چه زمان و عمدتاً به چه کشوری بازمی‌گردد و دلیل اینکه طی دهه‌های اخیر با اقبال بیشتری روبه‌رو شده، چیست؟

باتوجه به مطالعاتی که در زمینه‌ی تدریس پژوهی (جوگیوکن کیو- در زبان ژاپنی) یا به اصطلاح Lesson Study داشته‌ام این روش بیش از صد سال پیش در ژاپن جریان داشته اما در سال‌های اخیر و در پی مطالعاتی مانند مطالعات تیمز، پرلز و پیزا، اهمیت و تأثیر خود را بیشتر نشان داده است. بدین معنا که وقتی مشخص شد ژاپن و دانش‌آموزان ژاپنی در رقابت‌هایی مانند تیمز و... از هم‌کلاسی‌های خود در دیگر نقاط جهان جلوترند، تأثیر شیوه‌ی تدریس پژوهی در موفقیت مدارس ژاپن، در دیگر نقاط جهان و از جمله ایران مورد توجه قرار گرفت. این تأثیر به‌گونه‌ای بود که برخی معلمان موفق و صاحب‌نظر ما توانستند در آموزش و پرورش و دانشکده‌های علوم تربیتی ژاپن صاحب نظریه و کرسی شوند. در همین راستا استاد محمدرضا سرکارآرانی از سال ۲۰۰۹ میلادی هدایت پروژه‌ی درس پژوهی را در دانشکده‌ی علوم تربیتی ناگویا ژاپن برعهده دارد و همواره دستاوردهای خود را بی‌دریغ در اختیار معلمان ایرانی قرار داده و تلاش‌های وی مورد توجه مربیان تربیتی جهان قرار گرفته است.

## ○ از نگاه شما خصوصیت اصلی و شاخصی که تدریس پژوهی را از دیگر روش‌ها متمایز می‌کند، چیست؟

یک موضوع خیلی مهم در زمینه‌ی تدریس پژوهی، تدریجی بودن و تداوم این روش در طول زمان‌های طولانی است؛ یعنی یک تفاوت بین شیوه و روش‌های تدریس در کشور ژاپن و مثلاً آمریکا این است که در ژاپن در خصوص تعلیم و تربیت و آموزش - یادگیری دانش‌آموزان کمتر شاهد تعجیل، تسریع و نتایج فوری هستیم و معلمان ژاپنی هم صبر و مداومت بیشتری در امر آموزش و پرورش، تدریس، پیگیری مسائل آن و کشف مسائل جدید و حل این مسائل با کمک و همراهی دانش‌آموزان دارند. عمل تدریس پژوهی تدریجی فرایند آموزش یادگیری را بهبود می‌بخشد، لذا کاری است زمان‌بر.

همان‌طور که بسیاری از مربیان تربیتی جهان تأکید کردند آموزش و پرورش انسان‌ها کاری است دیربازده ولی خوب‌بازده که نیاز به صبر و حوصله دارد.

اشاره به نکته‌ای از دکتر آرانی مبنی بر اینکه «تدریس و آموزش، آبگوشتی است که برای لذیذ شدن و لذت بردن دانش‌آموز باید کاملاً جا بیفتد» شاهدی بر این ماجراست که آن‌ها در نهادینه شدن امر آموزش و همراه شدن دانش‌آموز با فرایند آموزش خیلی تلاش و ممارست داشته‌اند و هنوز هم به همان شیوه ادامه می‌دهند. در چنین نگاهی، غذاهای فست‌فودی و فوری جوابگوی ذائقه‌ی دانش‌آموزان نیستند. توجه به فرهنگ آموزش و یادگیری ایرانی، در نظام آموزشی به‌ویژه فرهنگ کهن ایرانی جای تفکر دارد.

## ○ با وجود معلمان ایرانی که باعث معرفی و گسترش این روش شده‌اند، سهم ما به‌عنوان کشوری که خود نیازمند پرداختن به این الگو است، چیست؟

اولین‌بار، دکتر ماکوتو یوشیدا در سال ۱۹۹۹ میلادی تدریس پژوهی

را به‌عنوان موضوع رساله‌ی دکترای خود انتخاب کرد و بعد از او کانترین لوئیس در این زمینه کار کرد. افتخار داریم که استاد سرکارآرانی از اولین علاقه‌مندان و صاحب‌نظرانی است که در این زمینه تلاش کرده و توانسته است موفقیت‌های زیادی در این خصوص داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که بنیاد درس پژوهی در سطح جهانی با همکاری ایشان کارهای بزرگی را در بیش از ۱۶ کشور جهان هدایت و دنبال می‌کند. با این وصف ما سهم درخور توجهی در توسعه‌ی جهانی این روش داریم.

البته چون این موضوعات و روش‌ها به‌گونه‌ای هنوز در کشور ما نهادینه نشده‌اند، نیاز به مداومت و مراقبت و توجه بیشتری است که نباید از آن غافل باشیم. شاید بتوان اضافه کرد که فعالیت در زمینه‌ی اقدام پژوهی - که دو دهه قبل توسط آقای دکتر مهرمحمدی (در پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت) آغاز شد، کار ارزنده‌ای بود که توانست نظر مربیان، معلمان و کارشناسان را به موضوع و اهمیت تحقیق (پژوهش) در مدرسه و کلاس جلب کند اما نتوانست آن‌گونه که شایسته بود، مؤثر واقع شود، تداوم خود را حفظ کند و شیوه‌ی تدریس و آموزش - یادگیری را تحت تأثیر قرار دهد. باید مراقب بود تدریس پژوهی بتواند فرهنگ آموزش و یادگیری ما را کمی به جلو ببرد و دچار آفت نشود و باید مواظب کژتابی‌های آن باشیم!

## ○ نقش آموزگار در درس پژوهی و اشاعه‌ی آن چیست؟

همه‌ی کسانی که در صحنه‌ی آموزش - یادگیری نقش دارند، در درس پژوهی اشاعه، گسترش و توسعه‌ی آن دخیل‌اند ولی نقش اصلی برعهده‌ی آموزگاران است. اساساً باید توجه داشته باشیم که نقش معلم در تدریس پژوهی دگرگون می‌شود و او دیگر همان بنای دیروزی نیست که خانه‌ای را براساس نقشه‌ای از پیش تعیین شده و نقطه به نقطه طراحی و اجرا کند. معلم در این نقش جدید خود مهندسی، خودمدیریتی است که بخشی از طراحی آموزشی، اجرای و آزمون آن و تجربه‌ی راه‌های جدید و نرفته را برعهده دارد و چنین نقشی آن‌قدر مهم و اساسی هست که برای آن برنامه‌هایی طراحی و آموزش‌هایی تدارک دیده شود. این‌گونه نیست که بگوییم معلمی که

دیروز بدون طرح درس به کلاس می‌رفت، امروز با طرح درس برود و متن دیکته شده‌ای را تدریس و یا حتی طراحی کند و آن را درس پژوهی بدانیم. معلم در





این نقش جدی یا تدریس پژوهی، مهندسی و طراحی کلاس درس و تدریس را برعهده دارد و برای ایفای این نقش باید آمادگی‌های لازم را داشته باشد. نباید به این شیوه از تدریس نگاه نسخه‌پیچی داشته باشیم و گمان کنیم که می‌توان بدون آمادگی‌های لازم و فراهم کردن زمینه‌ی آن در آموزش و پرورش موفق شد. هیچ نسخه‌ی واحد و سفارشی وجود ندارد و تنها راه موفقیت آن این است که معلمان ما تدریس پژوهی را با شوق بپذیرند، آن را یاد بگیرند، تمرین کنند، با آن زیست کنند و با یافتن راه‌حل‌های شوق‌انگیز آن را شیوه‌ی (روش) خود قرار دهند. تدریس پژوهی هم حمایت مدیران را می‌خواهد ولی با زور و بخشنامه موفق نمی‌شود.

○ چه آسیب‌هایی از ناحیه‌ی امتیازهایی که برای این کار قائل می‌شویم ممکن است درس پژوهی را تهدید کند؟

تا وقتی که احیاناً ما و معلمان در مدارس و در نظام اداری بخواهیم با تدریس پژوهی کسب امتیاز کنیم، ممکن نیست که آن اتفاق بزرگ در صحنه‌ی مدارس و کلاس‌های ما رخ بدهد اما این موضوع آن قدر اهمیت دارد و نظام آموزشی ما آن قدر بدان نیازمند است که واقعاً درنگ در آن اصلاً جایز نیست. من شک ندارم که اگر اسباب چنین کاری به‌خوبی فراهم شود و معلمان عزیز ما بتوانند لذت این کار و نتایج شگفت‌انگیز آن را لمس و درک کنند، جدا از همه‌ی مسائل و مشکلاتی که وجود دارد و حتماً باید برای رفع آن‌ها اقدام شود، بدین روش روی خواهند آورد. من در یکی از جلساتی که در مدارس برگزار شده بود شاهد حرکت یکی از همکاران بودم که می‌خواست در پایان جلسه و دور از چشم همکاران نتایج کار تدریس پژوهی خود را برایم توضیح دهد و زیاد تمایلی نداشت که در جمع معلمان در این زمینه حرفی بزند. صحبت من با این معلم عزیز این بود که اولین کار ما در درس پژوهی (به تعبیر استاد علی‌اکبر سیف و دکتر عباس حبیب‌زاده مطالعه‌ی درس) باز کردن در کلاس به روی دیگر همکاران است و اساساً چنین نگاهی به درس پژوهی اصل موضوع را زیر سؤال می‌برد. خوش‌بختانه وقتی با هم صحبت کردیم، مشخص شد که ایشان تلاش‌های خوبی داشته و تنها نقص کارش محوریت فردی و عدم استفاده از نگاه و نظر دیگر همکاران (Peer) است. موضوعی که یکی از پایه‌های اصلی تدریس پژوهی است و اساساً تدریس پژوهی در نگاه صاحب‌نظران این حوزه، **روش تدریس پژوهی مشارکتی معلمان** (سرکارآرانی، ۱۳۸۸) نامیده شده است. در این الگو معلم خودش در کلاس را به روی همکار (همتایش) می‌گشاید و او را به کلاس درس دعوت می‌کند و از او برای بهبود فرایند آموزش-تدریس یاری می‌طلبد.

من در برخی استان‌های کشور شاهد این موضوع هستم که این روش خلاق و پویا هم کمی به موضوعی برای کسب امتیازات بیشتر تبدیل شده است و دارد از ماهیت خود خارج می‌شود. اساساً تدریس پژوهی اگر برخاسته از نهاد معلمی نباشد و معلم پایه و اساس و زمینه‌ی کار و حرفه‌ی خود را بر آن بنیان نهد، نمی‌تواند کارآمد باشد. با این توضیح که اگر تدریس پژوهی شیوه‌ی غالب کار معلم شود، زندگی دیگری برای

او خواهد ساخت که لذت تدریس (آموزش و یادگیری) و حضور در بین دانش‌آموزان و کلاس درس را با هیچ چیزی عوض نخواهد کرد. همان چیزی که اکنون در کشورهایی مانند ژاپن چهره‌ی واقعیت به خود گرفته و زندگی معلمی را لذت‌بخش کرده است. ما در **تدریس پژوهی به دنبال رشد حرفه‌ای معلم هستیم** و رشد حرفه‌ای با امتیازات کوتاه‌مدت و یا مسائلی مانند نمونه شدن و مقطعی فکر کردن سنخیت ندارد. در این الگو مدرسه (کلاس) محل یادگیری خود و همکاران و اشاره به **مدرسه‌ی یادگیرنده** است.

○ وضعیتی که از رهگذر تدریس پژوهی و به‌کارگیری تحقیق (پژوهش) در زمینه‌ی آموزش - یادگیری نصیب مدارس ابتدایی ژاپن شده، در عمل چگونه است؟

مدارس ابتدایی و پیش‌دبستانی در ژاپن بسیار جالب و دیدنی هستند. ساختار و نظام آموزش ابتدایی ژاپن به پرورش همه‌جانبه‌ی **شخصیت کودک** در این دوره بسیار توجه دارند. فضای فیزیکی مدارس ابتدایی بسیار شوق‌انگیز، و درخور توجه است؛ به‌طوری که اکثر آن‌ها استخر دارند و فضای فیزیکی‌شان بسیار تمیز و با طراوت است اما چرا مدارس ابتدایی؟ در ژاپن مدرسه محلی است برای زندگی کردن، در مدرسه معلمان با بچه‌ها زندگی می‌کنند. اکثر پژوهشگران نظام آموزشی ژاپن، مدارس ابتدایی ژاپن را سرزنده، بزرگ و جاذب توصیف کرده‌اند، برای مثال کومینگر می‌گوید: «مدارس ابتدایی، گل سرسبد آموزش و پرورش ژاپن هستند. ژاپن در مقایسه با ایالات متحده‌ی آمریکا، سهم بیشتری از تولید ناخالص ملی خود را در مقاطع ۱۲ سال تحصیلی (ابتدایی تا دبیرستان) و مقدار کمتری از آن را در آموزش دانشگاهی خویش، هزینه می‌کند».

آری نوری‌موری، معمار مدرنیزه کردن ژاپن، در سال ۱۸۸۵ می‌نویسد: در طول بیش از یکصد سال، دولت‌مردان ژاپنی در **دوره‌ی آموزش ابتدایی** به‌عنوان محوری سرنوشت‌ساز در توسعه‌ی ملی نظر داشتند؛ چنان‌که: «۹۹ درصد دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی در ژاپن در مدارس ابتدایی دولتی محل اقامت خود درس می‌خوانند. در این دوره از تحصیلات، آموزش رایگان است و فرزندان تمام ساکنان محل اجازه‌ی ثبت‌نام دارند. در ژاپن ۹۰ درصد دانش‌آموزان کلاس دوازدهم را با موفقیت پشت‌سر می‌گذارند (این نسبت در آمریکا ۷۳ درصد و در اروپا ۵۰ درصد است)» (بختیاری، ۱۳۸۸).

ذکر این نکته خالی از لطف نیست که مدارس پیش‌دبستانی و دبستان‌های ژاپن محلی برای یادگیری مربیان و معلمان هستند. در پیام وزیر آموزش و پرورش ژاپن خطاب به مربیان و معلمان چنین آمده است: «ای مربی، ای معلم، ای مدیر و ای کارگزار آموزشی در مدرسه و کلاس، بین می‌توانی چیزی از دانش‌آموزانت یاد بگیری؟» البته معنای این حرف‌های من صحبت از وضعیتی آرمانی و دور از دسترس نیست که برای ما دست‌نیافتنی باشد.

ادعا می‌شود برای تغییر و تحول در فرهنگ آموزش، باید به رشد حرفه‌ای معلمان توجه و تأکید شود و تدریس پژوهی یکی از رویکردهایی است که می‌تواند به بهبود فرایند آموزش-یادگیری کمک کند.